مطالعات پژوهش زنان با رویکرد اسلامی
دوره ۱۲، شماره۱ (پیاپی ۲۲) بهار و تابستان ۱۴۰۴

women's Studies with an Islamic Approach
Vol. ۱۲, No. ۱ (Issue ۲۲), spring & summer 2025

تبیین تربیت اخلاقی در کودکی براساس نظریه اسلامی رشد انسان

سارا طوسیان خلیل آباد [۱] و فاطمه احمدی [۲]

چکیده

این مقاله به تبیین تربیت اخلاقی در اوان کودکی (پیش از دبستان) با تأکید بر نظریه اسلامی رشد جمیله علم الهدی می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، ارائه چارچوبی منسجم برای تربیت اخلاقی کودکان پیش از دبستان و تبیین ماهیت آن است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی ـ استنباطی به بررسی نظریه اسلامی رشد انسان پرداخته و کوشیده است تا با واکاوی آن به تبیینی از چیستی تربیت اخلاقی در اوان کودکی دست یابد. نظریه مذکور با ارائه تفسیری متمایز از مفاهیمی چون نیاز، استعداد و عاطفه بر اساس مبانی حکمت متعالیه و نیز مفاهیم قرآنی، رویکردی متفاوت و یکپارچه به ابعاد مختلف رشد ارائه می‌دهد؛ که می‌تواند بازتاب متفاوتی در تربیت اخلاقی کودک داشته باشد. همچنین این نظریه با تبیین مفاهیمی چون تجرد و تجسد، به درک عمیق تری از ارتباط بین ابعاد مادی و معنوی انسان دست یافته و بر اهمیت تعامل عاطفی بین مربی و کودک به عنوان رکن اصلی تربیت اخلاقی تأکید می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد براساس این نظریه تربیت اخلاقی چرخه‌ای است که حاصل تعامل ابعاد مختلف وجود انسان (نظیر زیستی، اجتماعی و عاطفی) و رشد هماهنگ قوای نفس است که در غایت خود دستیابی به فضائل مهمی چون حریت و حکمت را زمینه سازی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی، اوان کودکی، نظریه اسلامی رشد، حکمت متعالیه

۲. دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، saratusian@yahoo.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی جامعه المصطفی العالمیهfatemaahmadi۱۳۷۶@gmail.com

مقدمه

تربیت اخلاقی در اندیشه اسلامی، بنیان کمال انسان و زمینه‌ساز تحقق «حیات طیّبه» است؛ زیرا غایت تربیت در اسلام، شکوفاسازی استعدادهای وجودی انسان و رساندن او به مراتب بالاتر قرب الهی است (مطهری، ۱۳۸۶). این مسئله در دوران کودکی اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ چراکه این دوره، حساس‌ترین مرحله شکل‌گیری عادات، گرایش‌ها و هویت اخلاقی انسان به‌شمار می‌رود (Berk, ۲۰۱۸). در متون دینی نیز بر این حساسیت تأکید شده است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین(ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، قلب کودک را به زمینی آماده تشبیه می‌کند که هر بذری در آن افشانده شود، می‌پذیرد (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). از همین‌رو، هرگونه غفلت از تربیت اخلاقی در این مرحله می‌تواند آثار ماندگاری بر شخصیت فرد برجای گذارد.

با وجود این اهمیت، بخش عمده نظریه‌های رایج در تربیت اخلاقی کودک بر مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی غربی، مانند دیدگاه‌های پیاژه[۱]، کلبرگ[۲]، نادینگز[۳] و گیلیگان[۴]، استوار است (Kohlberg, ۱۹۸٤; Gilligan, ۱۹۸۲). این نظریه‌ها هرچند در تبیین بخشی از فرایند رشد اخلاقی سهم داشته‌اند، اما از آنجا که بر پیش‌فرض‌های متفاوتی درباره ماهیت انسان، غایت رشد و نسبت اخلاق با وجود انسانی بنا شده‌اند، نمی‌توانند به‌طور کامل نیازهای نظری و عملی تربیت اسلامی را پاسخ دهند. در مقابل، حکمت متعالیه ملاصدرا با طرح اصولی چون حرکت جوهری، تشکیک وجود و تدرج در فعلیت نفس، تصویری پویا و غایت‌مند از رشد انسان ارائه می‌دهد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰). بر این اساس، نظریه اسلامی رشد انسان می‌تواند مبنایی مناسب برای بازاندیشی در مفهوم تربیت اخلاقی کودک فراهم آورد.

با وجود برخی تلاش‌های انجام‌شده در زمینه تربیت کودک و نقش خانواده (مطهری، ۱۳۸۶) و نیز پژوهش‌هایی که زمینه این بحث را فراهم کرده‌اند (موحدی پارسا، ۱۳۹۵؛ مهدوی سلیمی، ۱۴۰۰)، هنوز چارچوبی منسجم که تربیت اخلاقی در اوان کودکی را بر پایه نظریه اسلامی رشد انسان و در افق حکمت متعالیه تبیین کند، به‌صورت کافی صورت بندی نشده است. در صورتی که خانم جمیله علم الهدی پس از تدوین نظریه اسلامی تعلیم و تربیت

---

[۱] Jean piaget
[۲] Lawrence kohlberg
[۳] Nel naddings
[٤] Gilligan

کوشیده است، تا با ابتنا بر فلسفه اسلامی و آیات قرآن و روایات این نظریه را در حوزه رشد بسط داده و تبیین کند. و لذا این پژوهش تلاش کرده است تا با استفاده از ظرفیت این نظریه تربیت اخلاقی در کودکی را تبیین کند.

این خلأ، ضرورت پژوهشی را آشکار می‌سازد که بتواند هم تعریف دقیق‌تری از تربیت اخلاقی کودک عرضه کند و هم مؤلفه‌ها و منطق درونی آن را از منظر فلسفه اسلامی روشن سازد. از این منظر، پرسش اصلی آن است که تربیت اخلاقی در اوان کودکی بر اساس نظریه اسلامی رشد انسان مبتنی بر حکمت متعالیه، چه چارچوب و مؤلفه‌هایی دارد؟

روش شناسی

برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با روش تحلیلی ـ استنباطی انجام شده است. در این فرایند، نخست با استفاده از روش تحلیل، مفاهیم کلیدی و گزاره‌های اصلی از کتاب نظریه اسلامی رشد انسان استخراج می‌شود زیرا، به‌کارگیری روش تحلیلی، بینش ما را نسبت به مفاهیم بنیادین گفتمان تعلیم و تربیت، اعم از مفاهیم کلی مربوط به اهداف و مفاهیم جزئی‌تر مربوط به روش‌ها و فنون بهبود می‌بخشد (باقری، ۱۳۸۹، ص ۴۳۱).

سپس بر اساس آن و با استفاده از روش استنباطی، چارچوب مفهومی تربیت اخلاقی در اوان کودکی استنباط می‌شود. نظریه پردازی در تعلیم و تربیت و علوم همجوار آن مانند روان شناسی در گرو استفاده از این روش است؛ که می‌تواند ما را در برقرار کردن رشته‌های پیوند میان اهداف تعلیم و تربیت با اصول و روشهای کلی مورد نیاز در تنظیم فعالیتهای محیطهای آموزشی یاری کند. و با ترکیب معینی از گزاره‌های هنجاری و واقع نگر می‌توان به برقراری رشته‌های دلالت میان اجزای مختلف نظریه تربیتی پرداخت (همان، ص ۴۳۱). حاصل این بررسی، تلاشی برای بازسازی مفهوم تربیت اخلاقی کودک بر پایه فلسفه صدرایی و ارائه مدلی نظری است که بتواند در طراحی برنامه‌های تربیتی خانواده، مهدکودک و آموزش پیش‌دبستانی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. از این رو، این پژوهش می‌کوشد ضمن پر کردن بخشی از خلأ نظری موجود، زمینه‌ای برای کاربردی‌سازی مبانی حکمت متعالیه در تربیت اخلاقی کودکان فراهم آورد.

مبانی نظری

ابتدا به ارائه مختصری از مهمترین مبانی حکمت متعالیه در نظریه رشد اسلامی پرداخته شده و تلاش می‌شود مهمترین نکات آن به ویژه در ارتباط با انسان‌شناسی بیان شود. سپس براساس مبانی مطرح شده به تبیین مفهوم تربیت اخلاقی در اوان کودکی پرداخته می‌شود.

۱- چارچوب تربیت اخلاقی در اوان کودکی براساس نظریه اسلامی رشد

۱-۱- حقیقت نفس انسان

بنابر نفس‌شناسی صدرایی،حقیقت وجود هر یک از افراد نوع انسان، نفس واحد صاحب مراتبی است که از حیث تجرد از جسمانیت، طبقه بندی ارزشی شده است (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۱۶۹). نفس یک وجود مجرد و ذومراتب است و علاوه بر اینکه متضمن دو مرتبه مجرد ناقص یا مثالی و مجرد تام یا عقلی می‌باشد، دارای اضافه اشراقیه نسبت به جسم مختص خود نیز هست. آنچه ما به عنوان بدن می‌شناسیم در واقع بخشی منفک از نفس و ترکیب شده با نفس نیست؛ بلکه بدن انسان در ابتدایی‌ترین مرحله آفرینش شامل ماده‌ای است که از صورت جسمانی و نفس نباتی برخوردار می‌باشد و به تدریج و در طی یک حرکت جوهری و اشتدادی که می‌توان آن را رشد تلقی نمود، این صورت جسمانی و نفس نباتی تکامل می‌یابد (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۱۶۲).

۱-۲- مراتب نفس انسان

از نظر صدرا نفس، یک حقیقت واحد با مراتب تشکیکی است. که به تدریج و طی تحولاتی پدید می‌آید. او لایه‌های نفس انسان را به لایه‌های جوی زمین تشبیه می‌کند و مراتب نفس را به ترتیب شامل هیولا، صورت جسمانی، نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی که به روح هم تعبیر می‌کنند، می‌داند. هیولا (ماده اولی) قابلیت پذیرش هر صورت ممکن را دارد و با پذیرش هر صورت امکان پذیرش صورت‌های دیگر را از دست می‌دهد. این هیولا که دارای وحدت شخصیه و قدیم زمانی است، در مراحل مختلف به صورت‌های جسمانی و غیر جسمانی تحول می‌یابد و به مراتب مختلف نفس نائل می‌شود. درنهایت صدرا معتقد است نفس انسان دائما در حال صعود و نزول میان مراتب وجودی است. و رشد و تکامل نفس به شدت وجود او

در هر مرتبه وابسته است. و هر مرحله از حیات دارای صورت کمالی است. (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص ۴۳ و ۴۴)

در این نظریه، مراحل رشد بر اساس مراتب نفسی که حرکت جوهری دارد، تبیین شده و آن را در سه مرحله تحت عنوان مقام بدن، مقام عقل و مقام قلب مورد بررسی قرار داده است (همان، ص ۲۰۵). چنین نگاهی به رشد، تغییر ماهوی در تعریف مفاهیم کلیدی نظیر نیاز، استعداد و عاطفه ایجاد نموده، که به تفصیل در نظریه به آن‌ها پرداخته شده است.

۱-۳- حدوث جسمانی نفس

نفس شناسی صدرا بر اساس جسمانیه الحدوث و روحانیت البقا بودن نفس استوار است. با کمک این نظریه، حدوث نفس را به معنای تجرد تدریجی نفس از صورت جسمانی می‌دانند. و این فرایند را به دوره خاصی مثلاً چهار ماهگی منحصر نمی‌دانند. در این صورت تجردیابی نفس از صورت جسمانی به عنوان رشد نفس محسوب می‌شود. در نتیجه حدوث و تجرد نفس تدریجی است و تغییرات رشدی در ذات نفس پدید می‌آید. بر این اساس رشد مقوله‌ای مجزا و اضافه شده به موجودیت و حقیقت انسان نیست؛ بلکه رشد عین تحقق و موجودیت یافتن آن و داخل در حقیقت انسان است (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۱۳۰).

بدن که متشکل از مرتبه جسمانی و نفس نباتی است، به کمک تغذیه و تحرک رشد می‌کند و علاوه بر حیات به کمالات می‌رسد. و در ادامه این تحولات نفس به تدریج به مرتبه مثالی متحول می‌شود و از مزایا و خصوصیات نفس ناطقه برخوردار می‌شود به این ترتیب تحقق حیات انسانی برای کودک عین تکامل و رشد اوست یعنی موجودیت انسان امر مجزا و منفک از رشد نیست؛ بلکه رشد و وجود در حقیقت عینی انسان یکی می‌شوند هرچند در تحلیل ذهنی دارای دو معنای متفاوت باشند (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۱۳۱-۱۳۲).

۱-٤- حرکت جوهری نفس

حرکت جوهری نفس عبارت است از تحقق تدریجی وجود نفس و شامل چرخه‌ای با دو فرایند تجسد و تجرد می‌باشد. این حرکت جوهری و اشتدادی که به کمک دو دسته فرآیند تجسد-تجرد ممکن می‌شود، نه به صورت موازی با یکدیگر بلکه به صورت حلقه‌های مکمل یک چرخه بازشونده رخ می‌دهد (علم‌الهدی،

۱۳۹۸، ص ۱۶۲). در فرآیند تجرد، تغییرات مرتبه جسمانی نفس تنها نقش ماده خام یا درون‌داد تغییرات مرتبه مجرد نفس را ایفا می‌کند؛ ولی در فرآیند تجسد، تغییرات مرتبه مجرد نفس، نقش فاعل و غایت تغییرات مرتبه جسمانی نفس را ایفا می‌کند. یعنی نفس در مصرف و بازتولید مواد بدن فاعلیت دارد. این چرخه به لحاظ شرافت رابطه‌ای ناهم‌سطح میان نفس و بدن پدید می‌آورد. اصل حدوث جسمانی و بقای روحانی نفس متضمن این معناست که مراتب مجرد ماده جسمانی را به مصرف برساند، و در عین حال آن را بازتولید و تکمیل کند. چرخه تجرد-تجسد را به زبانی عامیانه می‌توان به عنوان چرخه خودخوری و خودسازی تلقی کرد (علم الهدی، ۱۳۹۸ص ۱۷۱)

بر اساس نظریه حرکت چرخه‌ای نفس، انسان در طول زندگی به طور پیوسته میان دو لایه مادی و مجرد در حرکت است و این حرکت دائمی بین این دو عرصه باعث می‌شود که نفس در معرض خطرات زیادی، از جمله گمراهی و انحراف قرار گیرد (علم‌الهدی، ۱۳۹۸، ص ۵۰۷). نفس از جهات مختلف تحت تأثیر شرایط محیطی و ویژگی‌های درونی قرار دارد، و این حرکت چرخه‌ای به معنای تأثیرپذیری همزمان از وضعیت‌های مادی مانند نیازهای جسمانی و خواهش‌های دنیوی و همچنین راه‌یابی به مراتب بالاتر و مجردتر از بدن است. این تحرک متناوب می‌تواند باعث رشد یا تنزل نفس شود؛ زیرا در مراحل اولیه حیات، بیشتر تحت تأثیر جنبه‌های مادی و حیوانی است، که حضور قوی در این مرتبه، مانع درک معنای کلی و ارتقاء ظرفیت‌های معنوی وی می‌شود. در نتیجه، تربیت اخلاقی در این مرحله نقش کلیدی در راهنمایی نفس به سمت مراتب بالاتر و تعالی دارد؛ زیرا تقویت انضباط درونی و هدایت نفس از طریق تربیت اخلاقی می‌تواند او را به سمت رشد و ارتقاء معنوی سوق دهد. به همین دلیل، توجه ویژه به تربیت اخلاقی در دوران کودکی، که در آن نفس بیشتر تحت تأثیر جنبه‌های حیوانی است، لازم و ضروری است، زیرا این تربیت پایه و زمینه‌ساز حرکت نفسانی به سوی مراحل بالاتر و رسیدن به هدف نهایی، یعنی قرب الهی، است.

مبانی کلی نظریه اسلامی رشد انسان به طور خلاصه در جدول زیر تنظیم شده است.

مبنا	نکات کلیدی و توضیحات
حقیقت نفس	نفس یک حقیقت واحد و مجرد با مراتب است؛ بدن بخشی از نفس است که به تدریج تکامل می‌یابد (حرکت جوهری).
مراتب نفس	شامل هیولا، صورت جسمانی، نفس نباتی، حیوانی و انسانی (روح)؛ نفس دائماً در حال صعود و نزول است.
رشد و وجود	رشد عینِ تحقق وجود انسان است؛ بدن با تغذیه و تحرک رشد می‌کند و نفس به مراتب بالاتر (مثالی و عقلی) می‌رسد.
حدوث جسمانی	نفس ابتدا جسمانی است و به تدریج تجرد می‌یابد (روحانیت البقا)؛ این فرآیند محدود به زمان خاصی نیست.
حرکت جوهری	چرخه‌ای از «تجسد» (نفس بر بدن اثر می‌کند) و «تجرد» (بدن ماده‌ی تغییرات نفس است) که باعث رشد یا تنزل نفس می‌شود.
تربیت اخلاقی	در کودکی که نفس بیشتر تحت تأثیر جنبه‌های حیوانی است، تربیت اخلاقی نقش کلیدی در هدایت نفس به سوی مراتب معنوی و قرب الهی دارد.

۲- تبیین مفهوم تربیت اخلاقی در اوان کودکی

برای تربیت اخلاقی تعاریف بسیاری است از جمله؛ تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است» (داودی، ۱۳۸۸، ص۱۰). اما موحدی پارسا (۱۳۹۸) تربیت اخلاقی در اوان کودکی را اینگونه تعریف می‌کند: «تربیت اخلاقی در اوان کودکی فرآیند تدریجی مراقبت همه‌جانبه از کودکان با توجه به ویژگی‌ها و نیازهای آن‌ها در راستای دستیابی به مهارت‌ها، دیدگاه‌ها و گرایش‌هایی است که آن‌ها را قادر به انتخاب و تصمیم‌گیری مؤثر اخلاقی برای کسب ارزش‌ها و تحقق فضایل اخلاقی با هدف رسیدن به سعادت می‌نماید» در این پژوهش برای تبیین مفهوم تربیت اخلاقی در اوان کودکی

با استفاده از نظریه اسلامی رشد انسان، ابتدا مفاهیم مهم و مرتبط با آن شرح داده شده و سپس ذیل آن نکاتی مرتبط با تربیت اخلاقی استنتاج می‌شود.

۲-۱- درهم‌تنیدگی تربیت اخلاقی با سایر ساحات تربیتی

بر اساس نظریه اسلامی رشد، نیازهای اساسی انسان، به‌ویژه نیاز به غذا، نقش محوری در شکل‌گیری روابط اجتماعی و تربیت اخلاقی کودکان دارند(علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۳۰۶). این نیازها، از جمله امنیت، محبت و توجه، انگیزه‌ای قوی برای برقراری ارتباط کودک با مربیان(والدین یا معلمان) محسوب شده و تأثیر بسزایی بر رشد شناختی و عاطفی او دارند(همان،ص۳۲۶-۳۲۷). برآورده شدن این نیازها در محیط‌های امن و محبت‌آمیز، زمینه را برای پذیرش ارزش‌های اخلاقی فراهم می‌کند، زیرا امنیت عاطفی پیش‌نیاز اساسی برای ایفای نقش مثبت در فرآیندهای اخلاقی و اجتماعی است (همان، ص۳۲۰-۳۲۱).

علاوه بر این، انسان تنها به نیازهای طبیعی محدود نیست؛ نیازهای عقلانی، مانند میل به دانش و فهم، در توسعه درک منطقی و دلیل ارزش‌ها نقش مهمی دارند (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۳۱۱). نادیده گرفتن این نیازها می‌تواند فرآیندهای ارتباطی و تربیتی را محدود کند، زیرا تربیت اخلاقی مؤثر، علاوه بر آموزش رفتارهای درست، باید فرد را به درک منطقی و قابل توجیه بودن آن رفتارها رهنمون سازد. همچنین، نیاز به رابطه و ارتباط عاطفی قوی، که در روابط دلبستگی ایمن تظاهر می‌یابد، در توسعه شخصیت اخلاقی نقش اساسی دارد؛ این روابط، بنیان شکل‌گیری اعتماد، همدلی و هویت اخلاقی کودک را بنا می‌نهند.

چرخه نیازهای انسانی پیوسته و درهم‌تنیده است، و این پیچیدگی، تربیت اخلاقی را به یک فعالیت غیرخطی و چندبعدی تبدیل می‌کند(همان، ص ۳۳۴). مربی باید با درک عمیق از نیازهای گوناگون کودک (زیستی، شناختی و عاطفی)، در هر مرحله و با توجه به شرایط، پاسخ‌های متناسب و سازگار ارائه دهد. بنابراین، موفقیت در تربیت اخلاقی، نیازمند فهم جامع و یکپارچه تعامل میان نیازهای طبیعی، عقلانی و عاطفی کودک و پرداختن همزمان به پرورش عقلانیت و توسعه روابط سالم است.

همچنین رشد انسان شامل پیدایش و رشد مراتب نفس ناطقه و چیزی جز رشد هماهنگ عقل عملی و عقل نظری نیست. بدین ترتیب رشد زیستی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی همه در طول هم هستند و در ذیل عنوان کلی رشد و بلوغ عقلی معرفی می‌شوند. (همان، ص۵۵۰)

عمل شامل عمل اخلاقی، مقدمه پیدایش حالات پسندیده و آن خود مقدمه کشف حقیقت و علم و معرفت به حق است. غایت اصلی مکاشفه صورت حق تعالی و معرفت رب است. براین اساس رشد اخلاقی مقدمه رشد علمی است ...رشد عقلی حاصل مراحل متوالی رشد علمی و رشد اخلاقی است. (همان، ص۵۵۲-۵۵۴)

نفس ناطقه که دارای قوای متکثری چون حس، خیال و عقل است، ابزار اصلی ما در هدایت کودک به سوی فضایل اخلاقی است. عقل نظری به کودک کمک می‌کند تا حقایق و باید و نبایدهای اخلاقی را درک کند و عقل عملی او را به سمت انجام اعمال نیک و پرهیز از اعمال ناشایست سوق می‌دهد. تربیت اخلاقی در اوان کودکی، به معنای پرورش این دو قوه و ایجاد هماهنگی میان آن‌هاست تا کودک بتواند به طور مستقل و آگاهانه، تصمیمات اخلاقی صحیح اتخاذ کند.

در نتیجه با توجه به این دیدگاه، تربیت اخلاقی در اوان کودکی، فرآیندی پویا و چندوجهی است که بر پایه درهم‌تنیدگی ابعاد رشد، شکوفایی نفس ناطقه و پرورش هماهنگ عقل عملی و نظری، و همچنین هدایت استعدادهای اخلاقی بنا شده است. هدف نهایی، پرورش کودکی است که با درک عمیق ارزش‌های اخلاقی و توانایی تفکر و عمل اخلاقی، شخصیتی متعادل، مسئولیت‌پذیر و در مسیر کمال داشته باشد.

۲-۲- عاطفه؛ هسته تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی در اوان کودکی، فراتر از آموزش مجموعه‌ای از قواعد و باید و نباید، بستری برای شکل‌گیری شالوده‌های شخصیتی است که در تمامی ابعاد زندگی فرد تجلی می‌یابد. در این میان، عاطفه، همچون نخ تسبیحی، اجزای مختلف این فرآیند را به یکدیگر پیوند داده و نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری باورها، ارزش‌ها و رفتارهای اخلاقی ایفا می‌کند. عاطفه، به مثابه وجه تمایز و پیوند انسان‌ها، بر گستره وسیعی از تجارب زیستی از جمله رفتار، استعداد، تمایلات، ارتباطات و در نهایت، جایگاه وجودی فرد تأثیر می‌گذارد(علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۴۱۷-۴۱۹). «شلیک عاطفه از لحظه ورود به دنیا به صورت گریه و فریاد، به عنوان شاخص آگاهی و ادراک یا علائم هشیاری تلقی می‌شود. ابراز وجود نوزاد از ابتدا در قالبهای عاطفی، نظیر گریه، فریاد، ترس و خشم شکل می‌گیرد و علامت حیات و سلامت است... از امتزاج یا همراهی میل با ناتوانی و کمبود، ارزش متولد

می‌شود که هم مبنای روابط اجتماعی است و هم ریشه فعالیت‌های متنوع و پایداری است که تنها در گونه ما انسانها یافت می‌شود.» (همان، ص۴۳۸) ارزشها مولود تجربه‌ها و فرآیندهای عاطفی نفس نظیر میل، هیجان، انگیزش، لذت و نفرت بوده و می‌توانند فرآیندهای عاطفی را فعال کنند (همان، ص۴۷۰)

«ماهیت عاطفی ارزشها، درک و جذب آنها را برای کودکان، آسانتر می‌کند. ارزش‌ها می‌توانند تجربه‌های هیجانی را تشدید یا تضعیف کنند و حتی می‌توانند جهت آن را عوض کنند. گسترش ارزش‌ها در جامعه تنها با کمک جریانهای عاطفی ممکن می‌شود. ماهیت عاطفی ارزشها با تحمیل که خصلت قانون است، جور در نمی‌آید، ولی با آزادی که پیش شرط عمل اخلاقی است، کاملا سازگار می‌باشد.» (همان، ص۴۷۱ و۴۷۰)

لذا در این نظریه عاطفه نقش اساسی در ایجاد زمینه مناسب و شکل‌گیری فضایل اخلاقی داشته و از رویکردهای تحمیلی و تلقینی از یک سو و رهایی و بی توجهی به متربی از سوی دیگر، فاصله جدی می‌گیرد.

۲-۳- پیوند با دیگری و اخلاق ارتباط محور

کودک از همان بدو تولد به ضرورت ارتباط با دیگران برای رفع نیازهای خود پی می‌برد. «میل کودک به امور عینی مثلا خوردنی‌های متنوع، مادام که با درک او نسبت به ناتوان‌اش از دستیابی به آنها همراه شود، می‌تواند دست کم سه ادراک اساسی و جدید برای کودک فراهم کند: درک ضرورت ارتباط و به کارگیری شیوه‌های اعلام نیاز و پیوستن به دیگران/ درک ارزش‌ها و فهم اهمیت توانایی تحصیل امور خوشایند و یا دفع امور ناخوشایند/ درک شاخص توانمندی و علائم صاحبان توانایی، یعنی آنها که قدرت تحصیل و بخشش امور ناخوشایند یا دفع امور ناخوشایند را دارند.» (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص. ۴۳۸)

«کودک به کمک شهود رنج و لذت و فهم ناتوانی خود در جلب لذت و به خصوص دفع رنج، به علاوه فهم دیگری توانا می‌تواند یه پیوندهای ضروری خود با دیگران پی ببرد. نقطه عطف آگاهی‌های انسان همین ضرورت پیوند با دیگری است» (همان، ص۴۴۷)

لذا باید گفت که کودک ناگزیر از ارتباط با دیگران و پیوستن به جامعه است، ولی نوع ارتباطش به عوامل متنوعی از جمله موقعیت و شناخت و اراده او بستگی دارد. پیوند کودک با جامعه اگر چه امری ضروری است، ولی زمینه آزادی او نیز هست، زیرا در سایه همین پیوندهاست که استعدادهای او برای تغییر و توسعه روابط تقویت می‌شود. پس با رشد کودک او به تدریج استعداد و میل مداخله در سامان دهی و توسعه پیوندهای اجتماعی و تاحدی پیوندهای طبیعی پیدا می‌کند. به عبارت بهتر می‌توان گفت هویت کودک در گرو تغییرات روابط او با دیگران بوده که دستیابی به خوشایندی و لذت دلیل چنین ارتباطاتی است(علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۶۱۶).

با توجه به اهمیت ارتباط کودک با دیگران و تأثیر روابط بر ایجاد ارزش‌ها و لذت، می‌توان گفت تربیت اخلاقی مطلوب در گرو ایجاد بستر و زمینه مناسب برای برقراری روابط کودک با دیگران است. ایجاد ارتباط با محور بودن عاطفه در این فرآیند گره خورده است؛ یعنی با توجه به اینکه عاطفه عنصری اساسی در ایجاد فضایل اخلاقی است، زمانی به خوبی محقق می‌شود که زمینه ایجاد تعاملات مناسب با دیگران فراهم شود. این موضوع به خوبی بیانگر درهم تنیده بودن ابعاد مختلف رشد در این نظریه بوده و براساس آن تربیت اخلاقی کودک با سایر ابعاد تربیتی، از جمله تربیت اجتماعی و عاطفی عمیقا پیوند برقرار می‌کند.

۲-٤- خانواده؛ تلاقی عواطف و ارتباطات

«میل به حضور و جلب توجه دیگری که اغلب با عنوان دلبستگی یا علاقه و محبت شناخته می‌شود، زمینه کشف تجربیات جدیدی برای کودک فراهم می‌سازد و او می‌تواند درباره امور و حقایق غیرمادی نظیر بیداری و خواب مادر، غم و شادی مادر و ... ادراکات تازه‌ای دست یابد. این ادراکات تازه و دلبستگی‌های ناظر به آنها ، کم کم به پدر و سایر اشخاص تعمیم یافته و کودک به تدریج می‌تواند به فهمی از خویشاوندی دست یابد. به نظر می‌رسد خویشاوندی نخستین ادراک عاطفی عقلانی کودک است که به زندگی اجتماعی مربوط می‌شود و متضمن تصویری از جامعه می‌باشد.» (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۴۴۹).

نظام تربیتی برای توزیع و تثبیت نظام ارزشهای اجتماعی لازم است بر شکل‌گیری پیوندهای عاطفی و سازه ارزش‌های شخصی در دوران کودکی و در خانواده متمرکز باشد (همان، ص۴۷۰). خانواده، به‌ویژه در اوان کودکی نقش اساسی در تربیت کودک بر عهده دارد.

«خانواده در شکل گیری و رشد قوای عاطفی، ظهور هیجانات و عواطف کودک و همچنین در شکل گیری و توسعه روابط کودک با دیگران، شامل اشیا و اشخاص و حتی خداوند نقش بسیار مهمی دارد. با این همه کودک نیز به توسعه و تثبیت پیوندهای عاطفی خانواده و رشد قوای عاطفی والدین و سایر اعضای خانواده کمک می‌کند. به‌واقع خانواده یک میدان عاطفی است که اشخاص در آن مشارکت می‌کنند و از آن متأثر می‌گذارند.» (همان، ص۴۷۵) به عبارت دیگر نوعی ارتباط متقابل در تعاملات عاطفی کودک با سایر اعضای خانواده برقرار بوده و بر یکدیگر اثرگذارند.

بدین ترتیب خانواده، خویشاوندان و به ویژه والدین در ایجاد ارزش‌ها و فضایل به کودک نقش اساسی ایفا کرده و بار اصلی تربیت اخلاقی در اوان کودکی بر عهده خانواده و والدین است. تقویت ارتباطات در بستر خانواده و بهبود تعاملات می‌تواند در رشد اخلاقی کودک تأثیر قابل توجهی داشته باشد.

۲-۵- محرک‌های محیطی و رشد اخلاقی

«نفس انسان که دارای استعداد «کشف معنا از» و «اعتبار معنا برای» اشیاء است، بنا به نوع و شدت محرک‌ها و شرایط محیطی که او را احاطه کرده، دریافت‌های دارد. این دریافتهای حسی و معنایی کم کم در او شوق تغییر و اراده انجام فعل را پدید می‌آورد و گفتار، کردار و آثاری از او پدید می‌آورد که از یک سو به پیدایش دریافت‌های بیشتر و متنوع تر و شدیدتر منجر می‌شود و از سوی دیگر او را متمایزتر می‌سازد. تنوع و در عین حال تداوم دریافتهای نفس، موجی تنوع و تداوم هر دو ادراکات و اظهارات با نظرها و عملهای آن است و در عین حال خصایصی برای نفس پدید می‌آورد و در آن تثبیت می‌کند. خودآگاهی و قصدمندی در ادراکات و اظهارات یا در نظر و عمل، خصلت ذاتی نفس ناطقه است که به تدریج رشد می‌کند.» (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۵۳۵)

علاوه بر این تکرار یا حضور مستمر محرک‌ها موجب دلزدگی است؛ در حالی که کودکان مشتاق محرک‌های تازه و متفاوت‌اند و این نشان می‌دهد که تنوع به تجربه لذت کمک می‌کند. (همان، ص۶۱۵)

لذا می‌توان گفت علاوه بر خانواده و روابط، محیط و محرک‌های موجود در آن، در ایجاد فرصت برای تجربه کودکان اهمیت به سزایی داشته و هرچه محیط از غنای بیشتر و محرک‌های متنوع‌تر برخوردار باشد، امکان لذت بیشتر در کودک و رشد اخلاقی بهتری را فراهم می‌آورد.

۲-٦- موقعیت‌مندی و زبان‌مندی تربیت اخلاقی

موقعیت‌مندی و زبان‌مندی، دو ویژگی بنیادین ادراکات حسی و عقلی ما هستند، که درک عمیق‌تر معیارها و فرآیندهای رشد انسان را ضروری می‌سازند. فرایندهای ذهنی که به درک معانی کلی منجر می‌شوند، ریشه در ادراکات حسی و تخیلی دارند؛ این ادراکات شامل تصویرسازی ذهنی و اعتباربخشی به این تصاویر است(علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۵۰۸). صور ذهنی حاصل از ادراک حسی و خیالی، صرفاً مجموعه‌ای از صورت‌های جزئی و منفک نیستند؛ بلکه تصاویر ذهنی موقعیت‌مند و زبان مند هستند. به عبارت دیگر، این تصاویر، تجرد ناقصی دارند؛ یعنی اگرچه فاقد مادیت صرف هستند، اما همچنان دارای وابستگی به مکان، زمان، کیفیت و کمیت می‌باشند(همان، ص۵۰۸). با ترکیب این دو، یعنی موقعیت مندی و زبان مندی، تربیت اخلاقی در اوان کودکی به فرآیندی پویا و تعاملی تبدیل می‌شود که در آن، کودک به عنوان یک کنشگر فعال در شکل‌دهی فهم اخلاقی خود نقش ایفا می‌کند. مربیان و والدین، با فراهم کردن موقعیت‌های معنادار و استفاده از زبانی مناسب، به کودک کمک می‌کنند تا درک عمیق‌تری از ارزش‌ها پیدا کند و توانایی انتخاب رفتارهای اخلاقی را در موقعیت‌های مختلف زندگی به دست آورد. این رویکرد، با تمرکز بر مصادیق عینی، فرصت‌های تمرین، بازتاب موقعیت‌ها، استفاده از زبانی متناسب با سن کودک، تأکید بر گفت‌وگو و توجه به زمینه زبانی کودک، به شکل‌گیری شخصیت اخلاقی سالم و متعادل در کودکان کمک می‌کند.

۲-۷- توجه و حضور؛ آغازگر و تداوم بخش رشد اخلاقی

در دیدگاه اسلامی، ذکر با تغییر معنای امور مختلف، اثربخشی محرک‌ها را تغییر داده و ریاضت و تهذیب بر شدت این تغییرات معنایی افزوده و در شکل گیری محرک‌ها و هیجانات حاصل از آنها و پیدایش پیوندهای عاطفی میان شخص با عناصر موقعیت مداخله می‌کند و در نهایت ما را برای اصلاح موقعیت قوی می‌سازد. (علم الهدی، ۱۳۹۸، ص۵۷۳)

با بهره‌گیری از آموزه‌های حکمت متعالیه، می‌توان تربیت اخلاقی در اوان کودکی را بر پایه دو مفهوم کلیدی توجه و حضور استوار نمود. در این دیدگاه، توجه به منزله دروازه‌ای برای ادراک اخلاقی عمل می‌کند و حضور، معیاری برای سنجش رشد و فضیلت انسانی به شمار می‌رود. نفس ناطقه، مرکز ادراک و شناخت انسان است. تمام ادراکات حسی و خیالی، پیش از هر چیز، نیازمند توجه این نفس هستند(همان، ص۵۶۷ و ۵۶۸). از این رو، تربیت اخلاقی کودک باید با جلب توجه او به مسائل اخلاقی آغاز شود. این امر مستلزم ایجاد انگیزه، استفاده از روش‌های جذاب مانند قصه‌گویی و بازی، ارائه الگوهای رفتاری مناسب و تشویق رفتارهای نیکو است. البته توجه صرف، کافی نیست؛ تداوم و تعمیق ادراک اخلاقی نیازمند برقراری پیوندهای عاطفی با ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی است. کودک باید با مفاهیمی چون صداقت، عدالت و مهربانی، پیوند عاطفی برقرار کند تا بتواند توجه خود را معطوف به آن‌ها نگه دارد و درونی‌سازی‌کند. این پیوندها از طریق ایجاد تجربیات مثبت و لذت‌بخش در ارتباط با رفتارهای اخلاقی، همدلی با کودک و همراهی او در مواجهه با مسائل اخلاقی تقویت می‌شوند.

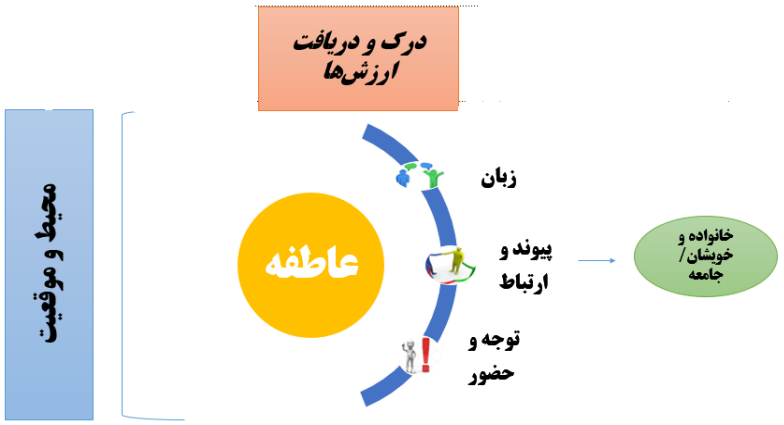
ذکر و یادآوری مستمر ارزش‌های اخلاقی، نقش مهمی در تغییر معنای امور و ارتقای سطح توجه کودک دارد. یادآوری و تکرار ارزش‌ها، به تدریج معنای جدیدی از امور و موقعیت‌ها را برای کودک آشکار می‌سازد و توجه او را به جنبه‌های اخلاقی آن‌ها معطوف می‌کند (همان، ۱۳۹۸، ص۵۷۱-۵۷۳). این فرآیند، به ویژه در زمان مواجهه با چالش‌ها و تعارضات اخلاقی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. بر اساس نظریه اسلامی رشد انسان برای ارزیابی میزان رشد اخلاقی کودک، باید به منحنی شدت، سرعت و پایداری توجه او به مسائل اخلاقی توجه کرد. همچنین، بررسی نوع هیجان‌ها و رفتارهایی که نشان‌دهنده توجه، علاقه و هیجان کودک به مسائل اخلاقی هستند، ضروری است (همان، ص۵۸۵-۵۸۶).

خلاصه مطالب این قسمت، در شکل زیر به صورت جدول تنظیم شده است

مبنا	توضیح و مکانیسم اثر	نقش در تربیت اخلاقی کودک
۱. درهم‌تنیدگی نیازها	نیازهای زیستی (غذا، امنیت)، عاطفی (محبت) و عقلانی (دانش) با هم پیوند دارند. برآورده شدن این‌ها در محیط امن، پایه پذیرش ارزش‌هاست.	تربیت اخلاقی غیرخطی و چندبعدی است. موفقیت در آن نیازمند پاسخ همزمان به نیازهای طبیعی، عقلی و عاطفی کودک است.
۲. رشد عقلی و نفس ناطقه	رشد شامل هماهنگی «عقل نظری» (درک حقایق) و «عقل عملی» (انجام کار نیک) است. این دو مقدمه کمال و معرفت نهایی هستند.	هدف، پرورش کودکی است که بتواند مستقل و آگاهانه تصمیمات اخلاقی بگیرد. تربیت یعنی پرورش هماهنگ این دو قوه.
۳.عاطفه؛ هسته مرکزی	ارزش‌ها از تجربه‌های هیجانی (میل، لذت، نفرت) متولد می‌شوند. ماهیت عاطفی ارزش‌ها، جذب آن‌ها را برای کودک آسان‌تر می‌کند.	عاطفه نخ تسبیح تربیت است. رویکرد تحمیلی کارساز نیست؛ بلکه باید با آزادی و تجربه‌های لذت‌بخش، فضایل اخلاقی شکل بگیرند.
٤. پیوند با دیگری (ارتباط)	کودک با درک ناتوانی خود و توانایی دیگران، به ضرورت ارتباط و پیوستن به جامعه پی می‌برد. این نقطه عطف آگاهی اوست.	تربیت اخلاقی در بستر روابط اجتماعی رخ می‌دهد. هویت کودک در تغییر روابطش با دیگران شکل می‌گیرد و نیازمند بستر مناسب تعامل است.
۵. خانواده؛ کانون عاطفه	خانواده میدان عاطفی است که در آن والدین و کودک بر یکدیگر اثر می‌گذارند. خویشاوندی نخستین ادراک عاطفی–عقلانی کودک است.	بار اصلی تربیت اخلاقی بر دوش خانواده است. تقویت پیوندهای عاطفی در خانواده، زیربنای تثبیت ارزش‌های شخصی کودک است.
٦.محرک‌های محیطی	تنوع و تداوم محرک‌های محیطی، شوق تغییر و اراده را در کودک ایجاد می‌کند. تکرار زیاد باعث دلزدگی می‌شود.	محیط غنی و متنوع، فرصت تجربه و لذت را برای کودک فراهم می‌کند که این امر مستقیماً بر رشد اخلاقی او تأثیر مثبت دارد.
۷. موقعیت‌مندی و زبان‌مندی	تصاویر ذهنی کودک وابسته به مکان، زمان و زبان است. درک کلیات از ادراکات حسی و تخیلی شکل می‌گیرد.	مربیان باید با استفاده از موقعیت‌های معنادار و زبان متناسب با سن کودک، به او کمک کنند تا ارزش‌ها را درک و تمرین کند.
۸. توجه و حضور	توجه دروازه‌ی ادراک اخلاقی است. ذکر و یادآوری مستمر، معنای امور را تغییر داده و سطح توجه کودک را بالا می‌برد.	تربیت با جلب توجه (از طریق بازی و قصه) آغاز می‌شود. تداوم و درونی‌سازی ارزش‌ها نیازمند پیوند عاطفی و تمرکز پایدار کودک است.

بنابراین، تربیت اخلاقی در اوان کودکی فرآیندی است که با جلب و حفظ توجه کودک به مسائل اخلاقی، ایجاد پیوندهای عاطفی با ارزش‌ها و هنجارها، و یادآوری مستمر آن‌ها، به رشد و کمال او در این زمینه کمک می‌کند. با تمرکز بر توجه به عنوان سنجه‌ای برای ارزیابی رشد اخلاقی، می‌توان برنامه‌های تربیتی اثربخش‌تری را طراحی و اجرا نمود. هدف نهایی، پرورش نسلی است که با توجه آگاهانه و حضور فعال در عرصه‌های اخلاقی، فضیلت‌مندانه و مسئولیت‌پذیر عمل کنند.

موارد یاد شده را می‌توان به طور خلاصه در شکل زیر ملاحظه کرد:



نتیجه‌گیری

براساس نظریه اسلامی رشد، انسان موجودی است متحرک و متغیر و نفس او دارای مراتبی است که از طریق حرکت جوهری می‌تواند این مراتب مختلف را طی نموده و شئون مختلفی را تجربه کند. چنین نگاهی به انسان، در تبیین مفهوم رشد تحولات اساسی ایجاد کرده و اساسا از رویکرد خطی حاکم بر الگوهای رایج رشد دور می‌شود. در این نگاه رشد انسان از الگویی مارپیچی و فرارونده تبعیت می کند که در طی آن ابعاد مختلف انسان با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ داشته و زمانی رشد محقق می‌شود که میان این ابعاد ارتباط هماهنگ و متوازن برقرار باشد. لذا نمی‌توان ساحت‌های مختلف تربیتی را از یکدیگر جدا کرد و باید آنها را در ارتباط با هم

مورد توجه قرار داد. پس تربیت اخلاقی در ارتباط با سایر ابعاد و شئون تربیتی، از جمله تربیت زیستی، شناختی، اجتماعی و عاطفی معنادار شده و ارتباط تنگاتنگی با آنها پیدا می‌کند.

در میان ساحات یاد شده، ساحت عاطفی و اجتماعی در اوان کودکی اهمیت ویژه‌تری یافته و بروز بیشتری پیدا می‌کنند. کودک به محض تولد از طریق واکنش‌های عاطفی به دنبال ارتباط با دیگران بوده و خانواده اولین بستر ایجاد روابط او با دیگران، یادگیری ارزش‌ها و آماده شدن برای ورود به جامعه است. لذا خانواده و پس از آن سایر ارتباطات و پیوندهایی که کودک برقرار می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ایجاد روابط عاطفی می‌تواند در شکل‌گیری ارزش‌ها و فضائل اخلاقی نقش اساسی ایفا کند.

ایجاد روابط، کودک را در موقعیت‌های گوناگون قرار داده و برای برقراری ارتباط ناگزیر از استفاده از زبان است. لذا تقویت مهارتهای زبانی و تلاش برای برقراری گفتگوهای موثر به ویژه در بستر خانواده یکی از عوامل موثر در تربیت اخلاقی در اوان کودکی است.

همچنین هر چه محیط از محرک‌های متنوع تر و جذابتری برخوردار باشد، امکان تجربه‌های بیشتر و بهتری برای کودک فراهم کرده و زمینه رشد اخلاقی او را فراهم می‌سازد. این محرک‌ها با جلب توجه کودک در آغاز به انتقال ارزش‌های اخلاقی کمک کرده و سپس با یادآوری آنها امکان استمرار در او را فراهم می‌سازند.

در پایان باید تأکید کرد براساس نظریه اسلامی رشد، لازم است تا رشد انسان را به شکل فرآیندی در نظر گرفت که در آن تمام ابعاد و عوامل تربیتی به طور متوازن و هماهنگ حضور داشته و با یکدیگر در ارتباط هستند و بررسی تفکیکی تربیت اخلاقی از باب تحلیل مفهومی و ذهنی بوده و در واقع نمی‌توان این ساحات را جدا از یکدیگر در نظر گرفت و لحاظ کرد.

منابع

امیری پیدنی، خیرالله؛ بررسی مراحل تربیت اخلاقی کودک با تاکید بر منابع اسلامی. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، گروه علوم تربیتی(۱۴۰۱).

آسترکی، مهرنوش؛ بررسی جایگاه شاخص‌ها در مولفه‌های تربیت اخلاقی بر اساس اندیشه‌های تربیتی ملاصدرا. پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزشی و پرورش، ۶(۶۵)، ۱۳۹-۱۲۵،۱۴۰۲.

بیرونی کاشانی، راضیه؛ شناسایی مولفه‌های تربیت اخلاقی دانش‌آموزان: برقراری تناظر میان نظریه‌های تربیت منش و رویکرد تربیت اسلامی. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام ، ۶،۱۳۹۷، ۱۱۳-۱۲۵.

حسنی، محمد؛ رویکردهای نوین در تربیت اخلاقی (چاپ اول). تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۴.

باقری، خسرو، رویکردها و روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، ۱۳۸۹، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی،چاپ اول.

داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر(ص) واهل بیت(ع)، پژوهشگاه حوزه و دانشگا، ۱۳۸۸، چاپ دوم.

صافی، محمد رضا؛ نهج‌البلاغه. قم انتشارات دارالحدیث۱۴۲۲.

صدرالدین شیرازی، ملاصدرا؛ الحکمۀ المتعالیۀ فی الأسفار العقلیۀ الأربعۀ (چاپ سنگی، ج۸). تهران: دارالکتب الاسلامیۀ، ۱۳۶۰.

علم‌الهدی، جمیله؛ نظریه اسلامی رشد انسان (چاپ اول). انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،۱۳۹۸.

مسلم نژاد، زهرا و قاسم پور، محمد؛ هویت، رشد و تعالی همه‌جانبه اوان کودکی. در مجموعه مقالات همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش‌دبستانی (دوره ۱)، ۱۳۹۷.

مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۶.

موحدی پارسا، فاطمه و همکاران؛ تربیت اخلاقی کودکان در دوره سیادت از منظر اندیشمندان. نشریه تربیت اسلامی،۱۳۹۸، ۷-۲۸

موحدی پارسا، فاطمه؛ تربیت اخلاقی کودکان سهرور بر اساس آموزه‌های اسلامی (آیات و روایات) [پایان‌نامه دکتری]. دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۵.

مهدوی سلیمی، مطهره؛ بررسی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی کودکان بر اساس آیات و روایات [پایان‌نامه دکتری]. دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۴۰۰.

نیکومنش، اصغر و همکاران؛ تبیین روش تربیت اخلاقی کودک در هفت سال دوم بر اساس تعالیم اسلامی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (شماره پیاپی ۵۰)،۱۴۰۰، ۲۷۹-۲۹۹.

منابع انگلیسی

Berk, L. E. (۲۰۱۸). Development Through the Lifespan (۷th ed.). Pearson Education

Gilligan, C. (۱۹۸۲). In a Different Voice: Psychological Theory and Women's

Kohlberg, L. (۱۹۸٤). Essays on Moral Development: Vol. .II. The Psychology of Moral Development. Harper & Row

Piaget, J. (۱۹٦٥). The Moral Judgment of the Child. Free Press.